

مکانیزمهای بازار در مقابل رشد متوازن*

مترجم: عصمت قائم مقامی

ساخاموی چاکراواری^۱، توسعه برنامه‌ریزی شده در کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد و عقیده دارد که بدون سیاستی درست برای تطور تکنولوژیکی که همکاری بین‌المللی را فرا خواند، شکاف بین کشورهای غنی و کشورهای فقیر (شمال و جنوب) گسترده‌تر خواهد شد.

اقتصاد توسعه، به‌عنوان یک رشته فرعی مهم در اقتصادشناسی، در دهه پنجاه پدید آمد. این بدان معنا نیست که قبل از این دوره، تفکر توسعه وجود نداشته است. همه می‌دانند که مقدار زیادی از آنچه که امروز به نام اقتصادشناسی کلاسیک شناخته می‌شود، با مسائل توسعه سر و کار داشت. آدام اسمیت کتاب خود را کنکاشی در علت‌های ثروت ملل می‌نامید. اقتصادشناسی نوکلاسیک، بجز چند ارجاع تصادفی به کار متخصصان مردم‌شناسی اجتماعی و عاملان اجرائی مستعمرات، مطلب چندانی برای افزودن به درک مسائل اقتصادی معطوف به موضوع به اصطلاح "اقتصادهای عقب‌مانده" نداشت. آنچه به طور مشخص تفکر قدیمی‌تر را از تفکر بعد از جنگ متمایز می‌کند، نظر قاطع در مورد نقش مکانیزم بازار-ملی و بین‌المللی-در تدارک تغییرات جهت‌مند در الگوی فعالیت اقتصادی بود که بخش‌های کمتر توسعه یافته جهان را قادر می‌سازد که بر مشخصه‌های عقب‌ماندگی ساختاری غلبه کنند. در این متن، بر نقش مثبت مداخله دولت در مقابل تمایل معطوف به اقتصاد آزاد اقتصادشناسان قدیمی‌تر، تأکید شده است. منبع اصلی این انتقال دیدگاه در سال‌های بعد از جنگ در کارهای دو اقتصادشناس-فردریک لیست، متفکری قرن نوزدهمی، و جان مینارد کینز-قرار داشت. لیست از یک متفکر طرفدار سیاست حمایت دولت خیلی فراتر بود؛ ضمناً، اقتصادشناسی کینزی هم خیلی پیش از نسخه‌ای برای

* Sakhamoy Chakravarty. "Market Mechanisms versus Balanced Growth."

Development, (1988: 2/3), 33.

۱. ساخاموی چاکراواری رئیس شورای پژوهش علوم اجتماعی هند در دهلی نواست. مقاله حاضر به مجمعی که درباره توسعه تفکر توسعه (Development of the Development Thought) در نوزدهمین کنفرانس جهانی جامعه توسعه بین‌المللی (Society for International Development-SID) در مارس ۱۹۸۸ در دهلی نو تشکیل شد، تسلیم شده است.

مداوای رکود اقتصادی در اقتصادهای پیشرفته سرمایه‌داری بود. لیست، علاوه بر موارد دیگر، بر نقش سرمایه عمومی اجتماعی در متن تحویل رشد اقتصادی متوازن تأکید می‌کرد، در حالی که کینز نقش کارهای عام‌المنفعه را در برانگیختن تقاضای مؤثر مورد تأکید قرار می‌داد. بعدها، در تفکر توسعه از هر دو این نظرها پشتیبانی شد.

هر دو این اقتصادشناسان بر ضرورت برانگیختن آگاهانه سرمایه‌گذاری و لزوم هماهنگی بخشی تأکید می‌کردند و هیچ یک مجموعه نشانه‌های قیمت را به عنوان چیزی که مجموعه‌ای از آمارهای کافی را برای هدایت اقتصاد فراهم کند، قبول نداشتند.

تفکر توسعه در آسیا

اولین نسل نظریه‌پردازان توسعه در بعد از جنگ که بر رشد متوازن تأکید داشتند، مانند رزنستاین - رودن^۱ و نرکسی^۲، در شکل دادن به تفکر توسعه در شبه قاره هند بسیار مؤثر بودند. برنامه‌های پنج‌ساله هند برخی از نظرات آنها را منعکس می‌کرد. همین مطلب، البته در گستره‌های کوچکتر، در مورد برنامه‌های عمرانی طراحی شده برای پاکستان و سریلانکا صادق است. در اهمیت دادن به یک راهبرد گسترده اساس^۳ صنعتی شدن، هندوستان از هر کشور دیگری در شبه قاره هند پیشی گرفت. این راهبرد به عنوان راهبردی "درون‌نگر"^۴ و بسیار هدایتگر توصیف شده است، در مقابل، گاهی ادعا شده است که کشورهای دارای بازار آزاد در شرق آسیا می‌بایست از منطق موجود در پیگیری یک مسیر رشد هدایت شده به وسیله قیمت پیروی می‌کردند.

البته چین، تا همین اواخر، راهبرد متفاوتی از توسعه را دنبال می‌کرد. به هر حال، اگر به سیاست چین دقیقتر بنگریم، می‌بینیم که جنبه‌های مشترکی با راهبرد هند دارد که مشخصترین آنها مقدار و الگوی توسعه صنعتی است. به علاوه، هدف آگاهانه هر دو این کشورها دستیابی به درجه بالاتری از اتکا به خود بوده است. تفاوت‌های بین چین و هند اساساً "در زمینه نحوه توزیع محصول خالص در میان طبقات اجتماعی است. سمتگیری سیاست چین نسبت به تجربه واقعی هند تساوی طلبانه‌تر بوده است."

در سهای مهمی که می‌توان از انواع راهبردهای توسعه که در کشورهای مختلف آسیا اختیار شده‌اند آموخت، کدامند؟ با توجه به فرصتی که در اینجا به من داده شده است، باید آنها را به طور بسیار خلاصه بیان کنم.

نخست باید این نکته را دانست که کشورهای موفق آسیایی توانسته‌اند سهم انباشت تولیدی را به صورت نسبت در صدی از محصول ناخالص ملی بالا ببرند. دوم اینکه، به استثنای کره جنوبی، غالب این کشورها بر لزوم این مسئله تأکید کرده‌اند که سطوح بالاتر سرمایه‌گذاری باید تا مدتها از محل منابع داخلی تأمین شود.

1. Rosenstein-Rodan

2. Nurkse

3. broad-based

4. inward-looking

سوم اینکه آنها از درستی سیاست هدایت فعالیتهای اقتصادی به وسیله دولت، در ارتباط با اینکه از سیاست "درون نگر" پیروی کرده یا راهبردی "هدایت شده به وسیله صادرات"¹ را دنبال کرده باشند، استفاده کرده اند. چهارم اینکه آنها به افزایش بهره‌وری زمین و، در بعضی موارد، به افزایش بهره‌وری کار در زراعت دانه‌های خوراکی توجه زیادی مبذول داشته‌اند. نمونه‌های کشورهای آسیایی دارای رشد سریع، اهمیت اصلاحات ارضی را به عنوان روشی برای انگیزختن تولید - جدا از اثر آن بر عدالت - درک کرده‌اند.

تنوع تجربه رشد در کشورهای آسیایی ناشی از منشأهای متعددی است. ابتدا، نحوه برخورد با کار و روشهای تعیین دستمزد. برخی از کشورها، الگوی رشد معطوف به اشتغال بیشتر را، حتی به قیمت متوقف شدن افزایش دستمزدهای واقعی در مراحل ابتدایی تر رشد خود، ترجیح داده‌اند. دوم، دامنه توازن مورد نظر برنامه‌ریزی در روابط بین بخشی متفاوت بوده است، بدین شکل که برخی ترجیح داده‌اند که پذیرای یک مدل رشد نامتوازن باشند که پیامد آن، وابستگی بیشتر به تجارت خارجی برای تحقق رشد در نیازمندیهای داخلی است. سوم، اهمیتی که به جنبه‌های مختلف برنامه‌های آموزشی داده می‌شد نیز بطور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. کشورهای مثل هند بر سطوح بالاتر آموزش، من جمله آموزشهای علمی و فنی تأکید کرده‌اند، در حالی که معدودی از کشورهای دیگر در شرق و جنوب شرقی آسیا ترجیح داده‌اند که به گسترش آموزش ابتدایی و متوسطه توجه بیشتری بکنند. این مسئله منجر به رشد ناهم‌هنگ ساختار آموزش در کشورهای مختلف آسیایی شده است. آخرین نکته اینکه تأکیدی که بر رفع نیازهای اساسی می‌شود، در این کشورها بسیار متفاوت است. در حالی که کشورهای چون کره جنوبی و تایوان از طریق دستیابی به میزان بالاتری از رشد موفق شده‌اند که به فقر مفرط پایان دهند، به نظر می‌رسد که چین از طریق تأکید بر ابعاد مختلف کارهای عام‌المنفعه که هدف آنها بهبود معیارهای معیشتی توده‌های وسیع بود، توانسته است با میزان کمتری از رشد به همین نتیجه برسد.

برعکس کشورهای آمریکای لاتین که شاهد رونق و نه‌ز رکود اقتصادی بوده‌اند، عملکرد اقتصادی کشورهای آسیایی در مجموع از ثبات و یکنواختی بیشتری برخوردار بوده است، هر چند این عملکرد در معدودی از این کشورها سریع و در سایر کشورها آرام‌تر بوده است. کاهش ادواری رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۸۰ و در نتیجه، کند شدن رشد تجارت جهانی، تأثیر زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر درآمدهای سرانه کشورهای آمریکای لاتین داشته که منجر به کاهش شدید دستمزدهای واقعی و تنزل معیارهای معیشتی شده است. برعکس، درآمدهای سرانه در غالب کشورهای آسیایی بهبود یافته، هر چند دامنه این بهبود در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است. به علاوه، کشورهای آمریکای لاتین در حال حاضر زیر بار سنگین قرض هستند، در حالی که هیچ یک از کشورهای آسیایی درگیر تعهدات وامی غیر قابل کنترل نیستند.

در آفریقا وضع از این هم بدتر بوده است، اما در اینجا من مجال ورود به بحثی در باره ابعاد مختلف پُسرُوی آفریقا در فرایند توسعه را ندارم.



1. export-led strategy

دلایل بازجهشی نسبی کشورهای آسیایی در مجموع، تا حدود زیادی منتسب به عوامل مثبتی است که در بالا ذکر شد. به علاوه، تأکید بر این نکته لازم است که ضرری که عموم کشورهای آفریقایی و برخی از کشورهای آمریکای لاتین در زمینه رابطه مبادله متحمل شدند، بسیار مهم و اساسی بوده است. چون ترکیب صادرات کشورهای آسیایی تا حدی متنوعتر است، این کشورها از ضربهای^۱ که اقتصادهای ساده^۲ تک محصولی در دوره تنزل فعالیت اقتصادی جهانی در معرض آن هستند، مصون بوده اند. به علاوه، کشورهای آسیایی، برعکس کشورهای آفریقایی، بطور کلی در راهبرد جامع توسعه خود به توسعه کشاورزی، توجه بیشتری مبذول داشته اند. این مسئله، آسیب پذیری آنها را به لحاظ موجود بودن غذای سرانه و در مقابل گرسنگی به حداقل رسانده است؛ برعکس مواردی که در چند کشور آفریقایی پیش آمد.

نظم تکنولوژیکی جدید

تقریباً "چهار دهه از تشکیل نخستین کمیته سازمان ملل به منظور تعیین موازینی برای توسعه اقتصادی کشورهای توسعه نیافته می گذرد. این کمیته که متشکل از چهره های سرشناسی چون آرتور لوئیس^۳، شولتز^۴، استاد فقید، گدجیل^۴ بود، هم نشانه های عقب افتادگی را تشخیص داد، و هم یک برنامه عمل معطوف به ارتقای توسعه اقتصادی تهیه کرد. کمیته نظر خود را در مورد گسترده تر شدن شکاف تکنولوژیکی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه بیان کرد و در عین حال ابراز داشت که این امید وجود دارد که "صرف وجود یک شکاف بزرگ از لحاظ تکنولوژی خود میدان وسیعی برای پیشرفت در این زمینه رویاروی کشورهای توسعه نیافته قرار دهد^۵. وقتی به آنچه گذشته نگاه کنیم، به نظر می رسد که احتمالاً "کمیته در این مورد بیش از حد خوشبین بوده است. امروز، جهان توسعه یافته تکوین نظم تکنولوژیکی جدیدی مبتنی بر پیشرفتهای عمده در علوم اساسی و کاربردی را تجربه می کند، که این پیشرفتهای او اواسط دهه پنجاه روی داده است؛ در صورتی که در کشورهای در حال توسعه، ظرفیت انتفاع از این پیشرفتهای بطور متناسب رشد نکرده است. این نه تنها به دلیل نارساییهایی در زیربنای آموزشی، بلکه ضمناً "به دلیل نبود یک مکانیزم مناسب نهادی است. غفلت از تغییراتی که ممکن است در تقسیم کار بین المللی آتی کار روی دهد، اشتباهی زیانبار خواهد بود؛ زیانبارتر از آن این اشتباه است که مکانیزم بازار - ملی و بین المللی - به صورت تنها وسیله برای ایجاد تغییرات ضروری سمت دهنده درآید. بار دیگر باید یادآوری شود که برنامه ریزی باید ظرفیت جذب تکنولوژی را - که حوزه های حیاتی است - در کشورهای در حال توسعه به بیشترین حد برساند. آنچه باید به خاطر داشت این است که تکنولوژی مهمترین از آن است که فقط به تکنوکراتها واگذاشته شود. بدون یک واکنش وسیع اجتماعی، که وجودش ضروری است، جهان برای کشورهای عقب افتاده امروز می تواند مکان بسیار دشوارتری شود. یک محیط بین المللی هوشیار و حساس باید به مسائل انتقال و انتشار تکنولوژی به شیوه ای که منافع مردم جهان در حال توسعه را تأمین کند،

1. shock

2. W.Arthur Lewis

3. T.W.Schultz

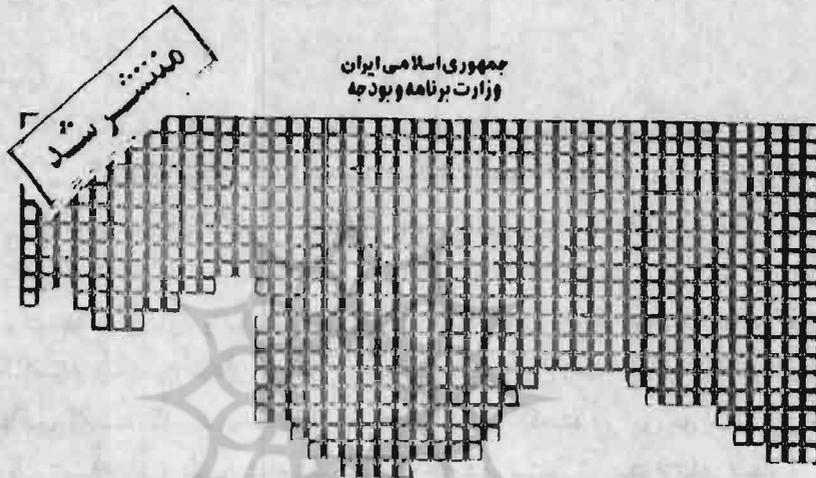
4. D.R.Gadgil

۵. نگاه کنید به:

"Measures for the Economic Development of Under-Developed Countries,"
Report of Group of Experts, P.28, New York, 1951.

توجه کافی داشته باشد .

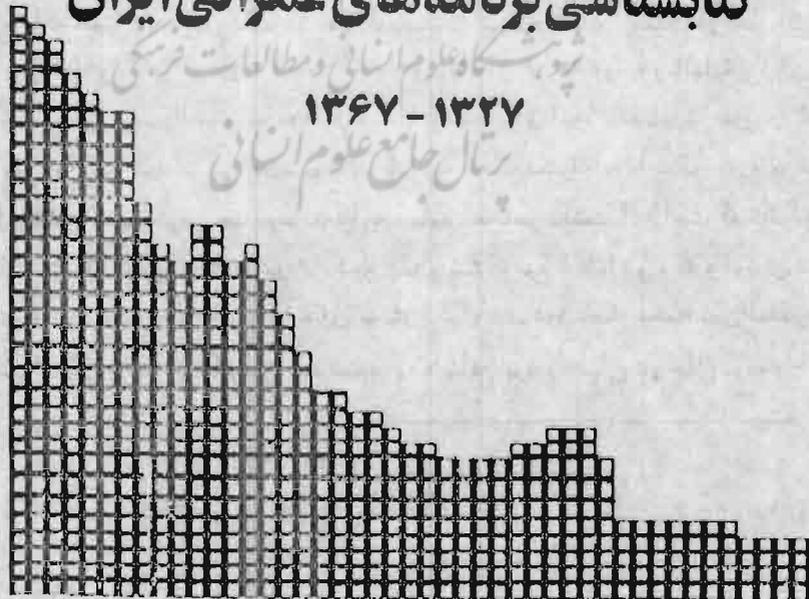
ضمن اینکه جریان خالص منابع سرمایه از کشورهای غنی‌تر شمال به کشورهای فقیرتر جنوب ، همراه با دستیابی به بازارهای محصولات ساخته شده در جهان در حال توسعه اهمیت دارد ، کاهش قابل ملاحظه شکاف تکنولوژیکی بدون یک سیاست مناسب تطور تکنولوژیکی محتمل نیست . بنابراین ، هم در جبهه داخلی و هم در زمینه تعاون بین‌المللی اقدامات عاجلی مورد نیاز است .



جمهوری اسلامی ایران
وزارت برنامه و بودجه

کتابشناسی برنامه‌های عمرانی ایران

۱۳۶۷ - ۱۳۲۷



مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات